

بررسی نقش مدارا در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی با رویکرد فقهی*

□ علیرضا اعرافی**

□ تقی مهری رمی***

در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی، مریبان با اصول و روش‌های مختلفی می‌توانند ارزش‌ها را انتقال داده و نهادینه نمایند. یکی از مسائل مهم در این عرصه، مدارا و رفتار نرم و ملایم از سوی والدین است. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان خواهد شد که والدین به جهت مسئولیت و جویی خویش در امور عبادی فرزندان، به تربیت آنها همت گمارند. بررسی روش مدارا در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی و تعیین مرزهای کاربردی آن، می‌تواند با نگاه‌های روان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه، فلسفی و... و نیز رویکرد اسلامی بررسی شود. پژوهش پیش‌رو به این موضوع از منظر فقه اسلامی پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تکلیف تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی، برای والدین واجب بوده و نیز کاربردی و الزام‌آور است. البته مدارا در ولی با توجه به تفاوت‌های فردی فرزندان و آسیب‌های احتمالی در آموزش و پرورش، رفیق و مدارا از رجحان مؤکدی برخوردار است. البته مدارا در مقاطعی از تربیت ارزش‌ها، ممنوع بوده یا حداقل مطلوبیت ندارد و در مقابل، مؤاخذه و توبیخ متریبان واجب می‌باشد؛ چنان‌که تنبیه نیز در مواردی جایز می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدارا، فرزندپروری، تعلیم و تربیت ارزش‌ها، فقه تربیتی، تربیت عبادی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۵/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۸/۳۰.

** استاد درس خارج حوزه علمیه قم (www.eshragh-erfan.com).

*** دانشجوی دکتری فقه تربیتی (نویسنده مسئول) (tagimehri@gmail.com).

«دفع کردن» می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/ ۶۰) و مفهوم مدارا در این ماده به معنای «پرهیز و احتیاط از شر دیگری» است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، واژه «مدارا» در هر دو ریشه به معنای «برخورد نرم» است (جوهری، ۱۴۱۰: ۶/ ۲۳۳۵). بر این اساس، مدارا اگر از ماده «دری» باشد با معنای اصلی آن در «دریُّ الطَّبِیِّ» تناسب دارد. گویی انسان با برخورد ملایم، طرف مقابل را جذب خود نموده و در کمند محبت خویش گرفتار می‌سازد؛ اگر از «درأ» مشتق شده باشد به این مناسبت است که آدمی با رفتار نرم خویش، به گونه‌ای از دیگری پرهیز و احتیاط نموده و بدی او را از خود دفع می‌نماید (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/ ۲۵۵). مدارا با واژه «رفق» متناظر و قریب المعنی است. این واژه در معنای «نرم‌خو و سازگار در مقام عمل؛ نرمی و لطافت در انجام کارها؛ ملاطفت در مقابل خشونت» آمده است (فراهیدی، همان: ۱۴۹/ ۵). بنابراین در مقابل واژه رفق، واژه «عَنَف» به معنای خشونت است (جوهری، همان: ۱۴۸۲/ ۴). مقابل دوم این کلمه، واژه «حَرَق» به معنای «ارعاب و دهشت» است (فیومی، همان: ۲/ ۲۳۳). معنای دو واژه «رفق» و «مدارا» بسیار به هم نزدیک است، اما موارد کاربرد آنها در زبان عربی، به ویژه در احادیث، متفاوت است. «رفق» غالباً درباره موافقان و دوستان، و حداکثر غیر مخالفان استفاده می‌شود؛ در حالی‌که واژه «مدارا»، به لحاظ اینکه معنای «پرهیز و احتیاط» در آن نهفته است، عمدتاً در مورد دشمنان و مخالفان اسلام کاربرد دارد.^۲ البته گاه این دو واژه در معنایی وسیع‌تر به کار می‌روند که شامل هر دو معنای رفق و مدارا می‌گردد.^۳ امروزه دو کلمه مورد نظر در زبان فارسی مترادف هم هستند و به صورت ترکیبی و با یکدیگر به کار می‌روند. شایان ذکر است مدارا مترادفات دیگری از قبیل «لین، تسهیل، تیسیر و تسامح دارد که به جهت اختصار از بررسی آنها صرف نظر می‌کنیم.

در بررسی واژه مدارا در کتب لغوی گفته شد که مدارا عبارت است از: «برخورد ملایم یا نرم‌خویی در رفتار». با توجه به نتیجه مذکور، می‌توان دریافت که در مقابل مدارا، خشونت و تندی قرار دارد؛ چنان‌که این معنا در مقابل واژه رفق نیز وجود دارد. از این رو، مدارا را باید این‌گونه تعریف نمود: «نرم‌خویی و ملاطفت در برخورد و رفتار غیر خشونت‌آمیز و غیردهشت‌آور».

اما در تعیین اصل یا روش بودن مدارا می‌توان گفت: اگر مدارا بیان‌کننده نحوه‌ای از وجود و چگونگی فعالیت‌های تربیتی باشد، اصل تربیتی به شمار می‌آید (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱/ ۱۵۳). برای نمونه، در روش امر و نهی، مدارا کیفیت نرم بودن اعمال این روش را توصیه می‌نماید. از سوی دیگر، اگر در مفهوم مدارا، خود رفتار و عمل بیرونی مربی لحاظ گردد، در این صورت مدارا روش تربیتی خواهد بود. بنابراین مدارا از یک منظر روش تربیتی است و از منظر دیگر، در زمره اصول تربیتی جای می‌گیرد.

«تعلیم و تربیت ارزش‌ها» نخستین بار به عنوان یک گرایش تخصصی در فرهنگ و اندیشه غرب مطرح گردید. این مفهوم، همواره با توجه به روش‌ها و رویکردهایی که در زمینه تعلیم و تربیت وجود داشته، تعریف گردیده است. برای نمونه، یک در بحث امکان تمایز بین دو مقوله «اخلاقیات» و «ارزش‌ها»، تعلیم و تربیت ارزش‌ها را چنین تعریف می‌کند: «این گرایش به تدریس و آموزش ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی و زیبایی‌شناختی و دیگر انواع ارزش‌ها می‌پردازد و رسالت اصلی آن تبیین ارزش‌هاست» (سجادی، ۱۳۷۹: ۳/ ۱۴۴). سیره‌ای تعلیم و تربیت ارزش‌ها را مساوی با تربیت مذهبی گرفته و آن را به فعالیت‌هایی که موجب پرورش ایمان در افراد می‌شود، تعریف کرده‌اند؛ به خصوص فعالیت‌هایی که به آشنا کردن کودکان و جوانان با هسته‌های اصلی معرفت به ایمان و عقاید دینی، سنت و اعمال دینی و مسائل اخلاقی توجه ویژه دارد (سجادی، همان: ۳/ ۱۴۹).

در دهه‌های اخیر کارشناسان و پژوهشگران تربیتی ترجیح می‌دهند تا واژه «تعلیم و تربیت ارزش‌ها» را به جای یا همراه با واژه «تربیت اخلاقی» به کار برند (شاملی، ۱۳۷۹: ۲/۲۷). یکی از این‌گونه کاربردها، از این‌قرار است: تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به چیزی اطلاق می‌شود که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر در مورد مسائل مربوط به درستی و نادرستی امور و در پی آن تمایل به خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آنها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند (سجادی، همان: ۱۴۸/۳). اما در مقابل، برخی این رشته را مستقل از سایر رشته‌های تربیتی، از جمله تعلیم و تربیت اخلاقی، معرفی کرده و تعریف ویژه‌ای برای آن بیان نموده‌اند و معتقدند که بین رویکرد تعلیم و تربیت ارزش‌ها و رویکرد تربیت اخلاقی و تربیت دینی تفاوت عمده وجود دارد (رهمنائی، ۱۳۹۱: ۴/۱۷۹). مقصود از تعلیم و تربیت ارزش‌ها، تعیین چستی ارزش‌های مثبت یا منفی است و اینکه چگونه باید تعریف و ارزش‌گذاری شوند تا در نهایت، از یکدیگر متمایز گردیده و مورد بازشناسی و بازپروری قرار گیرند. همچنین در مقایسه تعلیم و تربیت ارزش‌ها با گرایش تربیت دینی و تربیت اخلاقی باید گفت: نگاه استقلالی در تربیت اخلاقی و تربیت دینی بر مبریان اخلاق و دین است و توجه به ارزش‌های اخلاقی و دینی امری ثانوی و تبعی به شمار می‌آید، ولی در تعلیم و تربیت ارزش‌ها تمرکز اصلی بر خود ارزش‌ها است و تربیت انسان‌های ارزش‌باور و ارزش‌مدار نسبت به آموزش خود ارزش‌ها جنبه ثانوی داشته و برابند تعلیم و تربیت ارزش‌ها محسوب می‌گردند (همان: ۴/۱۷۹).

بنابراین مقصود از تعلیم و تربیت ارزش‌ها در نوشتار حاضر، عبارت است از: «آموزش چستی و چگونگی ارزش‌ها به منظور پرورش انسانی ارزش‌مدار و ملتزم». با توجه به مفهوم انقیاد و خضوع که در معنای لغوی عبادت وجود دارد (ازهری، بی‌تا، ۱۴۰۲/۲)، «تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی» بدین معنا است: «آموزش چستی و چگونگی ارزش‌ها، به ویژه عبادات، و تلاش برای نهادینه کردن ارزش‌های عبادی در مرتبی به منظور التزام و تعهد به تکالیف و مناسک».

درباره پیشینه پژوهش باید یادآور شد که فقط جناب استاد اعرافی ضمن بحث اصول و روش‌های ساحت تربیت خانوادگی، با توجه به اصل رعایت توان و ظرفیت مرتبی و نیز اصل عدم تحمیل مافوق طاقت او، یکی از روش‌های مورد استفاده در این اصول را روش رفق و مدارا دانسته و به بررسی فقهی برخی از روایات موجود در این زمینه پرداخته است (اعرافی، ۱۳۹۰: ۱۳)؛ غیر از این مورد، در حد اطلاع، پژوهش مستقلی با روش‌شناسی اجتهادی درباره پژوهش حاضر انجام نشده است. اما در مورد مدارا در تعلیم و تربیت، به عنوان پیشینه عام، نظرات متفاوتی از سوی اندیشمندان در طول تاریخ اندیشه‌های تربیتی مطرح شده است. برخی بر نرمش، محبت و مهربانی به مبریان در تعلیم و تربیت تأکید داشته، و چه بسا اعطای آزادی به آنها را اساس تربیت می‌دانند. در همین راستا، عده‌ای با سخت‌گیری و الزام در تربیت مخالفند. در مقابل، برخی دیگر اولویت دادن در استفاده از روش‌های سهل‌گیرانه را نفی نموده و رسیدن به اهداف تربیت را در قاطعیت و به کارگیری الزام در تربیت امکان‌پذیر می‌دانند (مهری، ۱۳۹۳: ۳۸).

رفق و مدارا به طور کلی در اسلام مطرح بوده است، به گونه‌ای که قابسی، حُسن رعایت معلم و رفق و مدارای او نسبت به کودکان را از جمله وظایف معلم بر می‌شمارد (حجتی، ۱۳۸۰: ۶۸۸). همچنین ابن جماعه کنانی، ضمن بحث «آداب معلم در ارتباط با شاگرد» در شمار نهمین ادب می‌گوید: زمانی که شاگرد فوق طاقت و تحملش در تحصیل گام بردارد، معلم او را به

مدارا با خود توصیه نماید (ساکت، ۱۳۸۸: ۵۳۷). شهید ثانی یکی از آداب معلم در امر تدریس را مدارا در کیفیت خطابات و شنیدن پرسش‌های آنان می‌داند (شهید ثانی، ۱۳۸۴: ۹۷). خسرو باقری، در بحث آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت، سهل‌گیری در امر تربیت را بهترین راه حل برای به دام نیفتادن در دو طیف کمال‌گرایی غیر واقع‌بینانه و سهل‌انگاری می‌داند؛ زیرا در این روش، هم به ظرفیت‌های متربی توجه می‌شود و هم ضمن حفظ ضوابط و معیارها افراد از بی‌مبالاتی و خمودی پرهیز داده می‌شوند (باقری، ۱۳۸۴: ۲/۲۹۳). ساجدی نرم‌خویی و برخوردار عطوفت‌آمیز مربی در مواجهه با متربیان را یکی از راه‌های برون رفت از آسیب‌های احتمالی تعلیم و تربیت می‌داند (ساجدی، ۱۳۸۴: ۳۲۷). حاجی ده‌آبادی، رفق و مدارا را از روش‌های تمهیدی در تعلیم و تربیت بیان می‌کند (حاجی‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۴۷). حسینی‌زاده در این رابطه می‌گوید: باید کاری کرد که کودک با میل، رغبت و شوق، پذیرای تربیت و خواسته مربی باشد، نه اینکه از مربی و والدین رمیده و فراری شود. لذا با کودک باید راه رفاقت و نرم‌خویی و ملاحظت را در پیش گرفت، نه خشونت و سختگیری (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

در مغرب‌زمین بحث‌های مشابهی در این باره صورت گرفته است؛ چنان‌که در زمینه سبک‌های فرزندپروری، سه نوع سبک «مستبد»، «سهل‌گیرانه» و «مساوات‌طلب» مطرح شده است (مک‌گرو، ۱۳۸۲: ۱۴۳). همچنین در زمینه الگوهای تربیتی، چهار الگو وجود دارد:

الف. الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و سختگیری؛

ب. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و عدم قاطعیت؛

ج. الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و عدم قاطعیت؛

د. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و قاطعیت (پل‌هاک، ۱۳۸۶: ۶۰). بر این اساس، کودک در عین اینکه تربیت می‌شود، مورد مهر و محبت و مدارا نیز واقع می‌شود. در میان تحقیقات انجام شده، نتایج تحقیقات با مریند، نشان داده است که فرزندان والدین مهربان و گرم، کارآمد و متکی به خود هستند، و والدینی که بیش از حد بر فرزندان خود تسلط دارند، اولادشان از احساس امنیت و اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند، و والدین سهل‌گیر فرزندان بار می‌آورند که از لحاظ خویشتن‌داری در سطح پایین هستند (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸ - ۵۹). نتایج مطالعات برونشتاین، نشان داده است که بین شیوه‌های فرزندپروری گرم و حمایت‌کننده و رفتار خودابرازی کودک، رابطه وجود دارد (همان). همچنین، در مطالعات خود درباره خانواده‌های کودکان بیش‌فعال نتیجه گرفته است که این کودکان دارای پدران سختگیر و محدودکننده و مادرانی بودند که نسبت به سایر مادران، از تنبیه بدنی بیشتری استفاده می‌کردند (همان).

چهار دلیل در این بخش مطرح می‌شود که دو دلیل اول به کاربست مدارا در آموزش و پرورش ارزش‌های عبادی و دلیل‌های بعدی در راستای پرسش از امکان محدودیت در به کارگیری مدارا در آموزش این‌گونه ارزش‌ها ارائه می‌گردد.^۴

دلیل پیش‌رو، مدارا در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی را از راه اصل تربیتی «رعایت توان متربی» به سامان می‌رساند. ابتدا لازم است

نسبت بین «مدارا» و «رعایت توان متربی» روشن گردد. در صفحات قبل، مدارا را به معنای رفتار نرم و برخورد ملاطفت‌آمیز دانستیم و واژه «توان» در کتب لغت به معنای قدرت آمده است (راغب اصفهانی، همان: ۶۵۷/۱). بنابراین عناوین فوق به لحاظ لغوی، از دو معنای متفاوت برخوردارند. اما در تحلیل مفهومی این عناوین، نکاتی مد نظر است: انسان‌ها دارای ظرفیت‌های وجودی متفاوت و تفاوت‌های فردی بر هستند. بنابراین توانایی‌های بشر چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ نوعی، گوناگون و دارای شدت و ضعف است. با این توضیح، رعایت توان متربی بدین معناست: مربی تکالیفی را که قرار است به متربی محوّل نماید، ظرفیت و توان (اعم از جسمی و عقلی) او را در نظر گیرد. استفاده از رفق و مدارا در تعلیم و تربیت، نوعی در نظر گرفتن توان متربی است. از این رو، مدارا مصداقی از اصل رعایت توان متربی خواهد بود. از سوی دیگر، باید توجه داشت که ملاحظه توان متربی فقط با کار بست مدارا تحقق نمی‌یابد، بلکه روش‌های ایجابی دیگری نیز می‌توانند مصداق رعایت توان متربی باشند. بنابراین نسبت بین مدارا و رعایت توان متربی، عام و خاص مطلق است. پس از تبیین مفاهیم، به بررسی دلیل می‌پردازیم؛ قابل توجه است که روایات مورد اشاره به قرینه عنوان «صلاة و صوم» اختصاص به تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی خواهند داشت.

۵

عَلَىٰ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ حَمَادِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ * قَالَ: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَىٰ نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّىٰ يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يَطِيقُوهُ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعٍ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا (كلینی، همان: ۴۰۹/۳)؛ امام کاظم * می‌فرماید: ما کودکان‌مان را در پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم، پس شما کودکان‌تان را در هفت سالگی به نماز امر کنید؛ ما کودکان‌مان را در هفت سالگی به روزه امر می‌کنیم به اندازه‌ای که توان دارند، تا نیمه روز یا بیشتر یا کمتر و زمانی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به روزه عادت کنند و طاقت بیآورند؛ پس شما هم کودکان‌تان را در نه سالگی به روزه امر نمایید تا مقداری که می‌توانند و زمانی که تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار نمایند.

روایت فوق، مربوط به مهم‌ترین آموزه‌های تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی، یعنی نماز و روزه، است که والدین به عنوان مخاطبان اصلی آن، ملزم گردیدند تا به فرزندان خود در عمل به این ارزش‌ها دستور دهند. کلمه «مُرُوا» در این روایت، چه از لحاظ ماده و چه از لحاظ صیغه، دلالت بر وجوب می‌کند. این کلمه در روایت حاضر، آموزش نماز را در هفت سالگی و آموزش روزه را در نه سالگی بر پدر و مادر، به عنوان اولین مربیان کودک، واجب کرده است. به عبارت دیگر: انجام این دو فریضه بر کودک نابالغ استحباب دارد، ولی تکلیف آموزش نماز و روزه به فرزند بر والدین واجب می‌باشد. شایان ذکر است که تکلیف «امر نمودن به آموزه‌های عبادی»، مستلزم آموزش و آشناسازی کودک با نماز و روزه نیز می‌باشد.

بنابراین حدیث امام کاظم * در مورد وجوب تربیت ارزش‌های عبادی است، ولی همان‌طور که مشاهده می‌شود امام * در فراز پایانی روایت، آموزش این ارزش‌ها را با ملاحظه میزان توانایی و طاقت کودکان واجب می‌کند (فَمُرُوا ... مَا اسْتَطَاعُوا)؛ چنان‌که استفاده از واژه «أَطَافُوا» در جمله پیشین نیز بر همین مطلب تأکید دارد (بِمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَىٰ نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ).

روایت مورد بحث، به طور مستقیم اشاره به مراعات توان متربیان از سوی والدین نکرده است، ولی از آنجا که تکلیف وجوبی

شود، فرمود: در شش سالگی.

روایت بالا، سن شش سالگی را زمان وجوب نماز برای کودک معرفی می‌نماید، اما روشن است که نماز بر کودک شش ساله واجب نیست، لذا عبارت «یجب» به معنای استحباب خواهد بود. همچنین روایت فوق، به دلالت التزامی، وظیفه آموزش نماز از سوی والدین و آشناسازی مفاهیم آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین امام * آموزش نماز در شش سالگی را مشروط به توان عقلی کودک می‌داند؛ و این اشتراط به دلالت التزامی، اشاره به رجحان مؤکد رعایت توان متربی در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی دارد.

×

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ * أَنَّهُ قَالَ: يُؤْمَرُ الصَّبِيَانُ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلُوهَا وَ أَطَاقُوهَا فَفَقِيلَ لَهُ وَ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سِتِّ سِنِينَ (مغربی، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۹۴)؛ امام باقر * می‌فرماید: طفل به نماز امر می‌شود زمانی که نماز را درک کند و طاقت بیاورد. گفته شد: فهم نماز چه زمانی است؟ امام فرمود: زمانی که فرزندان شش ساله باشند.

این روایت سند ندارد، اما در آن تکلیف و جویی امر به نماز، علاوه بر توان عقلی، به توان جسمی کودکان نیز مشروط گردیده است. در حقیقت، امام باقر * در این روایت، کیفیت و کمیت امر مذکور را بسته به میزان طاقت و توانایی متربیان دانسته و هفت سالگی را به عنوان سن اجرای تکلیف آموزش ارزش‌های عبادی قرار می‌دهد.

^

روایت ذیل، سیره امام سجاد * را نسبت به برخورد نرم و ملاحظت‌گونه در خواندن نماز متذکر می‌شود؛ هر چند سیره دلالت بر جواز دارد. در این صورت، دلیل پیش‌رو توان استدلال برای موضوع نوشتار حاضر را نخواهد داشت، مگر اینکه در این سیره بتوان قرینه‌ای بر بیش از جواز یافت.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ * أَنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ مَنْ عِنْدَهُ مِنَ الصَّبِيَانِ بِأَنْ يَصَلُّوا الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ فَفَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ أَحْفُ عَلَيْهِمْ وَ أَجْدُرُ أَنْ يَسَارِعُوا إِلَيْهَا وَ لَا يَضِعُوهَا وَ لَا يَنَامُوهَا عَنْهَا ... (مجلسی، همان: ۱۳۳ / ۸۵)؛ امام سجاد * همیشه به فرزندی که در نزدشان بودند، امر می‌کرد تا نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را در یک زمان بخوانند. از ایشان در مورد این کار پرسیده شد، فرمود: این کار موجب تخفیف بر آنان و تسریع به سوی نماز می‌گردد و نماز را ضایع نکرده و خواب نمی‌مانند....

روایت فوق معتبر نیست، چون محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری در مجامع رجالی توصیف ندارد. این روایت، بیانگر سیره امام سجاد * در امر کودکان به جمع بین صلاتین (ظهر و عصر، مغرب و عشاء) است؛ در حالی که می‌دانیم بزرگسالان این چهار وقت را جداگانه می‌خوانند. در حقیقت، سیره مذکور به این مطلب اشاره دارد که معصومان^۸ در عادت دادن متربیان به نماز، سخت نمی‌گرفتند و رعایت بسیاری از آداب و مستحبات را از ایشان طلب نمی‌کردند. چنان‌که اشاره شد، سیره بیش از جواز و اباحه را افاده نمی‌کند، ولی با توجه به عبارت «كَانَ يَأْمُرُ»، که دلالت بر استمرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که امر کردن کودکان به جمع خواندن دو نماز، مستحب و راجح است. با اثبات استحباب امر کردن کودکان به جمع بین دو نماز، به طریق اولی امر کودکان به خواندن نماز، مستحب خواهد بود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حضرت در تعلیل دستور خود مبنی بر باهم خواندن دو نماز، تخفیف و نوعی راحتی بر متریبان را مورد توجه قرار داده است. بنابراین امر به جمع نمازها و همچنین تعلیل مذکور، به‌روشنی دلالت بر رجحان مؤکد رفق و مدارا در تربیت ارزش‌های عبادی دارد. قابل توجه است که این سیره درباره مدارا در تکالیف الزامی است، ولی از طریق فحوا و اولویت، در تکالیف غیر الزامی نیز جریان دارد.

تخفیف و آسان‌گیری بر متریبان در نماز جماعت نیز مشاهده می‌شود؛ پیامبر اکرم| نماز جماعت را با مدارا و رعایت حال متریبان و نمازگزاران برگزار می‌نمود^۷ (حر عاملی، همان: ۴۲۰/۸). علاوه بر آن، معصومان^۸ به آثار و پیامدهای تربیتی اختلاف سنی افراد در تربیت ارزش‌های دینی توجه داشتند و میان کودکان و بزرگسالان تفاوت قائل شده، از هر یک انتظارات خاصی داشتند.^۹ اما در روایات علاوه بر عنوان «امر» به نماز و روزه، مفاهیم دیگری همچون «مواخذة» و «ضرب» برای نماز وجود دارد. در مفهوم‌شناسی مدارا گفته شد که یکی از پایه‌های تعریف این واژه، رفتار غیر تهدیدآمیز و غیر خشونت‌آمیز است. در اینجا ممکن است ادعا شود که عنوان مواخذة نوعی رفتار تهدیدآمیز است. از این رو، این عنوان با مفهوم مدارا در تقابل بوده و در موارد دستور به مواخذة افراد، مدارا معنا ندارد. از سوی دیگر، کاربری دو مفهوم فوق در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی ممکن است این‌گونه تلقی گردد که در سنین بازخواست و تنبیه، رفق و مدارا مطلوبیت ندارد و در آن مقطع، ملاک و معیار باید سخت‌گیری و شدت عمل هر چه بیشتر نسبت به فرزندان باشد. لذا این تلقی، منجر به محدودیت در شمول مدارا خواهد گردید. در ذیل، به بررسی ادعاهای بالا و روایات مربوط به آن مفاهیم می‌پردازیم.

در این قسمت، روایات مربوط به عنوان بالا بررسی و مذاقه شده و سپس نقد می‌شود.

۹

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَسْتَأْذِنُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * فِي كَيْفَ يُوْخَذُ الصَّيْبُ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ فِيْمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ قُلْتُ فِي كَيْفَ يُوْخَذُ بِالصِّيَامِ قَالَ فِيْمَا بَيْنَ خَمْسِ عَشْرَةَ أَوْ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَإِنْ صَامَ قَبْلَ ذَلِكَ فَدَعُهُ فَقَدْ صَامَ ابْنِي فَلَنْ قَبْلَ ذَلِكَ وَ تَرَكْتُهُ (حر عاملی، همان: ۱۸/۴؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۴۰۹/۱)؛ از امام صادق * پرسیده شد: در چه سنی کودک برای نماز مواخذة شود؟ فرمود: بین شش تا هفت سالگی. راوی در مورد روزه نیز پرسید، فرمود: چهارده یا پانزده سالگی، و اگر پیش از آن روزه گرفته او را رها کند. فرزندم فلانی، در پیش از این سن روزه گرفته بود و من رهاش کردم [و به روزه امر و مواخذة نکردم].

صحیحہ احمد بن زنی^{۱۰}

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ يَسْتَأْذِنُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنِ الرَّضَا * قَالَ: يُوْخَذُ الْغُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ ... (حر عاملی، همان: ۲۰/۲۲۹)؛ امام رضا * فرمود: کودک در هفت سالگی باید در مورد نماز مواخذة شود و لازم نیست در این سن، زنان نامحرم مویشان را از وی بپوشانند تا اینکه محتمل شود.

۱۱

وَ فِي الْخِصَالِ يَسْتَأْذِنُ الْآئِي عَنْ عَلِيٍّ * فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ قَالَ (النَّبِيُّ): «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَ حُدُّوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا

وی صادر گردید. به عبارت دیگر: انجام ارزش‌های عبادی بر فرزند واجب نیست، حتی در شکل تمرینی نیز بدان گردن نهاده است. لذا نسبت به ترک آن در زمان پسین مؤاخذه انجام می‌گیرد.

از آنجا که ظهور مؤاخذه را در مراتب اولیه آن دانستیم و اینکه بازخواست فی الجمله کافی است، روشن می‌شود که عنوان مؤاخذه در این دسته از روایات، نه مفهوماً و نه حکماً تعارضی با اصل تربیتی مدارا ندارد، بلکه رفق و ملاحظت با متریان در موارد بازخواست نیز جریان دارد. بنابراین عمومیت اصل مذکور و حکم استحباب تأکیدی آن همچنان باقی است. به عبارت دیگر: بازخواست والدین از فرزندان وظیفه الزامی است، ولی کاربست عنوان مؤاخذه در روایات هرگز بدین معنا نیست که در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی نباید مدارا کرد، بلکه در سنین و مراحل خاصی از تربیت، باید مرتبی را به دلیل ترک عمل عبادی مورد نظر، توبیخ و مؤاخذه نمود.

مدلول برخی از روایات این است که باید کودکان را به جهت ترک نماز تنبیه نمود. این روایات که در بین آن‌ها سند معتبری یافت نمی‌شود، در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

السَّيِّدُ فَضْلُ اللَّهِ الرَّائِدِيُّ فِي نَوَادِرِهِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ * قَالَ: قَالَ عَلِيُّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سِتِّ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ...» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۹/۳)؛ فرزندان را زمانی که شش ساله شدند به نماز امر کنید و وقتی که هفت ساله شدند بزنید.

نَوَادِرُ الرَّائِدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ * قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ» (مجلسی، همان: ۱۳۲/۸۵)؛ کودکان را در هفت سالگی، امر به نماز و در نه سالگی تنبیه کنید.

عَوَالِي اللَّئَالِي، عَنِ النَّبِيِّ | قَالَ: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا...» (نوری، همان: ۱۹/۳ و احسایی، ۱۴۰۵: ۲۵۲/۱)؛ امر به نماز در ابتدای هفت سالگی و سن ضرب در ابتدای نه سالگی باشد.

روایت پیامبر اکرم: رَوَى عَنِ النَّبِيِّ | أَنَّهُ قَالَ: «مُرُوهُمْ بِالصَّلَاةِ وَ هُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَ هُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ» (مجلسی، همان: ۱۳۳/۸۵).

کتاب نوادر و عوالی اللئالی به لحاظ سندی اعتبار ندارند و روایت آخر، مقطوعه است. برخی از احادیث فوق، والدین را در هفت سالگی کودک مجاز به تنبیه دانسته و برخی دیگر ابتدای نه سالگی را تجویز کرده‌اند، در روایتی جواز تنبیه در نه سالگی صادر شده و در نهایت، حدیثی دیگر ده سالگی را ملاک و معیار ضرب متریان دانسته است. از این روایات استفاده می‌شود که پیش از هفت سالگی، تنبیه بدنی جایز نیست و در ده سالگی هم امر و هم مؤاخذه و هم تنبیه جایز است.

اقدامات تمهیدی و تربیتی نباید دست‌مایه تحکم و سخت‌گیری با مربی قرار گیرد، بلکه برای دستیابی به اهداف مدنظر، رفق و مدارای با آنها مدنظر است.

۷. رجحان رفق و مدارا با جواز الزام در تربیت دینی و بلکه با وجوب آن در مراحل از تربیت - همچون تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی - قابل جمع است. به بیان دیگر: نرمش و ملاحظت در رفتار با مکلف شدن والدین به تربیت ارزش‌های عبادی، به دلیل اینکه تکلیفی را برای مربی به دنبال ندارد، نه تنها تعارضی نداشته بلکه به والدین توصیه مؤکد شده است که ضمن پرداختن به تکلیف واجب تربیت ارزش‌های عبادی، رفق و مدارای با مربیان را در نظر گیرند.

۸. رفق و مدارا با مربی هرگز به معنای چشم‌پوشی و یا به تأخیر انداختن وظیفه تعلیم ارزش‌های عبادی نیست. به عبارت دیگر، توجهاتی از قبیل اینکه فرزندان فعلاً در سنین کودکی و یا در ابتدای نوجوانی و جوانی قرار دارند، نمی‌تواند مهملی برای اهمال‌کاری و سهل‌انگاری والدین در تربیت ارزش‌های عبادی باشد. چنین نگرش و عملی، علاوه بر اینکه ضایع کردن دستور واجب شرع تلقی می‌گردد، ظلمی است که در حق فرزندان روا داشته می‌شود.

۱. Values Education

۲. «لاتحملوا علی شیعتنا و ارفقوا بهم» کلینی، ۱۳۶۵: ۸/۳۳۴. «و اما المخالفون فیکلمهم بالمداراه» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵/۴۰۱).
۳. «أمرنی ربی بمداراة الناس» کلینی، همان: ۱۷۹/۳.
۴. رجحان مطلق مدارا توسط نگارنده در نوشتار دیگری به اثبات رسیده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: «مدارا و حدود کاربست آن در تعلیم و تربیت ارزش‌ها؛ از منظر فقه اسلامی»، پایان‌نامه ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی &.
۵. روایان این زنجیره سندی همگی توثیق دارند و محمد بن ابی‌عمیر زیاد و حماد بن عثمان ناب نیز از اصحاب اجماع شمرده می‌شوند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۰ و ۲۳۱؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۵۶ و ۳۷۵).
۶. زنجیره سند روایت، امامی هستند (نجاشی، همان: ۳۴۹ و ۲۹۸).
۷. عَنِ ابْنِ سِنَانٍ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ * قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ | الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ فَخَفَّفَ الصَّلَاةَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَدَتْ فِي الصَّلَاةِ سَيِّءٌ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفَتْ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ: أَوْ مَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ (حر عاملی، همان: ۸/۴۲۰). «إني لأقوم إلى الصلاة وأنا أريد أن أطول فيها، فأسمع بكاء الصبي فأتجزو في صلاتي كراهية أن أشق على أمه (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۷/۵۹۷؛ ابن حنبل، ۱۴۲۰: ۲۸/۲۹۸).
۸. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ * وَ أَنَا سَابُّ فَوْصَفَ لِي التَّطَوُّعَ وَ الصَّوْمَ فَرَأَى ثِقْلَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ فَقَالَ لِي إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَالْفَرِيضَةِ مَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ إِنَّهَا هُوَ التَّطَوُّعُ إِنْ شَغَلَتْ عَنْهُ أَوْ تَرَكَتْهُ فَضَيَّبَتْهُ (کلینی، همان: ۳/۴۴۲). این سیره به روشنی بیانگر آن است که امام * از زراه جوان انجام همه مستحبات را به صورت پیوسته و مداوم انتظار ندارد، اما بر حماد سال‌خورده - که عمرش را در اسلام گذرانده - سخت می‌گیرد (همان: ۳۱۱) و انتظار دارد نماز واجب را با رعایت تمام شرایط و مستحبات و آداب آن انجام دهد. البته چنان‌که علامه مجلسی در توضیح روایت گفته‌اند از نحوه نماز امام * پیداست که مراد ایشان این نیست که نماز حماد نادرست بوده، بلکه مقصود این است که وی نماز را با رعایت آداب و مستحبات آن نخوانده است.
۹. همه روایان، امامی و ثقه هستند (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۶۱؛ نجاشی، همان: ۴۱۲ و ۱۴۳).
۱۰. اسناد این روایت، امامی هستند. احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی، فردی ثقه است (نجاشی، همان: ۷۵؛ طوسی، همان: ۳۵۱) و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود (کشی، همان: ۵۵۶).
۱۱. این روایت که به «حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ» شهرت یافته، حاوی حدود چهارصد وصیت پیامبر اکرم | به امام علی * است و سند معتبری ندارد.
۱۲. برخی همچون مرحوم شیخ طوسی، پس از ذکر این روایت و چند روایت دیگر آنها را دال بر استحباب می‌دانند: «فَالْوَجْهُ فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ أَنْ نَحْمِلَهَا عَلَى صَرْبٍ مِنَ الْإِسْتِحْبَابِ وَ النَّدْبِ وَ التَّأْدِيبِ وَ ...» (طوسی، ۱۳۹۰: ۱/۴۰۹).
۱۳. «در تمرین دادن کودک به نماز اگر لازم باشد به مقداری که دیه واجب نشود، می‌توان او را زد» (گلپایگانی، ۱۴۰۹: ۳/۲۶۶).
۱۴. برای اطلاع از شرایط استفاده از قاعده ضمّ احادیث (ر.ک: اعرافی، ۱۳۹۱: ۱/۶۵).

- ابن اثیر، *النهاية في غريب الحديث*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
- ابن حنبل، احمد، *تحقیق شعیب الارنوط و آخرون، مسند، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.*
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، *عوالی اللثالی العزیزیه*، قم، دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- ازهری، محمد ابن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
- اعرافی، علیرضا، *احکام تربیت فرزند*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
- _____، *فقه تربیتی*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۱.
- _____، ۸۹، ۹۰، ۹۱، *متن درس های خارج فقه تربیتی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، جلسه ۱۳، شماره ثبت ۲۴۷۹.
- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
- بدرالدین جماعه، گزارش و پژوهش محمد حسین ساکت، *آموزشنامه: فرهنگ فرادهی و فراگیری در اسلام*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی، *نظام تربیتی اسلام*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- حجتی، محمدباقر، *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعة*، بیروت، الحیة التراث العربی، ۱۳۸۹ق.
- حسینی زاده، سید علی، *تربیت فرزند، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت^ع*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- خمینی، سید روح الله موسوی، *تحریر الوسیلة*، قم، مؤسسه دار العلم، چاپ اول، بی تا.
- داوودی، محمد، *تربیت دینی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت^ع*، قم، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- راغب اصفهانی، حسین، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- رهنمائی، سید احمد، *مقدمه مجله معرفت*، مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی &، شماره ۱۷۹، ۱۳۹۱.
- ساجدی، ابوالفضل، *دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی &، ۱۳۸۴.
- شاملی، عباسعلی، *در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام*، *مجله تربیت اسلامی*، شماره ۲، تابستان، ۱۳۷۹.
- شهید ثانی، زین الدین علی، *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*، نشر اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- طوسی، محمد بن حسن، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
- _____، *رجال شیخ الطوسی*، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، دار الهجره، بی تا.
- کلانتری، مهرداد؛ مولوی، حسین؛ توسلی، میترا، رابطه بین شیوه های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی شهر اصفهان، *مجله دانش و پژوهش در روان شناسی*، شماره ۲۴، ۱۳۸۴.

- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
- گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، محقق و مصحح: علی کریمی جهرمی و دیگران، قم، دار القرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- متقی هندی، کنز العمال، تحقیق: البکری الحیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت^ا، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- مک گراو، فیلیپ، محمد محمدی شریعت باقری، روان شناسی خانواده موفق، تهران، دانژه، ۱۳۸۸.
- مهری، تقی، مدارا و حدود کاربست آن در تعلیم و تربیت ارزش ها، پایان نامه ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی &، ۱۳۹۳.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال التجاشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷ق.
- نوری، حسین، (محدث نوری)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت^ا، ۱۴۰۸ق.
- هاک، پل، حسین صیفوریان، محمد طاهر ریاضی ارسى، موفقیت در تربیت فرزندان، تهران، رشد، ۱۳۸۶.

The Role of Tolerance in Education and Instilment of Devotional Values with a Jurisprudential Approach *

Alireza A'rafi **
Jawadi Ibrahimy ***

Abstract

In teaching and instilling devotional values, instructors can use different principles and methods to inculcate and transfer or institutionalize values. One of the important issues in this area is tolerance and gentle behavior of parents. The importance of this issue is doubled when parents try to educate their children about their responsibilities. Investigating the method of tolerance in the teaching and practice of devotional values and determining the boundaries of its application can be done through psychological, sociological, philosophical, and Islamic approaches. The present study deals with this subject from Islamic jurisprudential perspective. Studies show that it is obligatory upon the parents to teach devotional values to their parents. As well, the application of coercive methods is permissible in this regard. However, given the individual differences of children and the possible challenges in education and nourishment, tolerance is highly recommended. Indeed, in some stages of instruction and education, tolerance as a way of teaching values is forbidden or is, at least, undesirable. On the contrary, punishing the learners becomes obligatory just as it becomes permissible under certain circumstances.

Keywords: Tolerance, parenting, values education, educational jurisprudence, devotional education.

* Date of submission: ۱۱/۸/۲۰۱۸ Date of acceptance: ۲۱/۱۱/۲۰۱۸.

** Lecturer of Dars-e Kharij in the Islamic Seminary of Qom (www.eshragh-erfan.com).

*** PhD student of educational jurisprudence (tagimehri@gmail.com).